

نگاه

قدردانی خانواده سردار سلیمانی از مردم ورهبری

● **سیاه‌نیز**: خانواده شهید حاج قاسم سلیمانی در پیام قدردانی از مقام معظم رهبری، ملت ایران و امت اسلامی با اشاره به اینکه حاج قاسم از متن مردم، از جنس مردم و فدایی مردم بود و ولایت فقیه را نسخه شفابخش امت می‌دانست، تأکید کردند: وصیت‌نامه حاج قاسم راهنمای ما و مجاهدان و حق‌طلبان عالم است. در این پیام آمده است: خدای بزرگ، خالق حکیم بی‌همتا را شاکریم که با گذشت ۴۰ روز از آن سحرگاه پرحادثه که حاج قاسم عزیزمان، مظلومانه و غریبانه همراه با هم‌زمانش، به شهادت رسید و خون پاکش، خون‌یهای آرامش یک ملت و بلکه یک امت شد؛ آرمان و آرزوی او -که شما آن را ابرمرد صحنه مقاومت، امنیت و وحدت می‌خوانید و سربازی ولایت و رهبری حکیم انقلاب را مدال افتخار خود می‌دانست- در معرض خلط عالم واقع و شهید سلیمانی را برای نظام سلفه و صهیونیسم و دشمنان اسلام، خطرناک‌تر از سردار حاج قاسم سلیمانی کرده است. حاج قاسم مرد میدان‌های تکلیف و تعهد و اطاعت از ولی و خدمت به مردم بود. او از عاشورا و عبرت‌های صدر اسلام آموخته بود که تدروی و کندروی منجر به هلاکت و دورشدن از خیمه امام و انقلاب است و برای روشنگری و بصیرت‌افزایی در جامعه لطمه‌ای نباید ترک میدان کرد. حاج قاسم از متن مردم، از جنس مردم، برای مردم و فدایی مردم بود و این درس را همان‌گونه که خود بارها گفت، در مکتب مولا و مقتدای خود رهبری عظیم‌الشان و عزیزتر از جانمان آموخته بودند.در ادامه این پیام آمده است: حال ماییم و شما ملت شایسته و برگزیده‌ای که واژگان از توصیف بزرگی شما احساس حقارت می‌کند، ملتی که راه و آرمان او را در ۴۰ روز گذشته رستار از هنگامه حضورش بارها و بارها در آیین‌های استقبال، تشییع و بدرقه شگفت‌آور ده‌ها میلیون‌وا به‌سوی ابدیت و ملاقات با معشوق خود، تا حماسه عظیم و دشمن‌شکن ۲۲ بهمن‌ماه پاس داشتید و هم‌قسم و یک‌صدا فریاد زدید: «ای سرباز ولایت راحت ادامه دارد».

ادامه از صفحه اول

اصلاحات نمی‌تواند انتخابات را تحریم کند

ایین در حالی است که احتمالاً اگر دبیران کل بعضی احزاب تأیید صلاحیت می‌شدند، شاید چنین موضعی نمی‌گرفتند. این فردمجوری البته با اندیشه اصلاح‌طلبی سازگار نیست؛ یعنی در هر صورت احزاب اصلاح‌طلب بنا به همان خاشیت اصلاح‌طلبی، ارائه فهرست و دعوت به شرکت را نفی نکرده‌اند. بعضی از احزاب اصلاح‌طلب بنا به همین روش فهرست داده‌اند. در این دور از انتخابات و پس از تجربه مجلس دهم، به این نتیجه منطقی رسیدند که باید کاندیداها کاملاً جزئی از تفکر اصلاح‌طلبی باشند و کاندیدای اجاره‌ای نداشته باشند. اما یک تصمیم معقول بود. یقیناً در میان فهرست تأییدصلاحیت‌شدگان، به‌ویژه در تهران- تعداد زیادی کاندیدای کاملاً اصلاح‌طلب وجود دارد. من بر این باور بودم و اصرار زیادی هم به بزرگان این جریان کردم که همان تعداد اصلاح‌طلبان اصیل را حتی اگر کمتر از ۱۰ نفر هم باشند، همه گروه‌های اصلاح‌طلب اعلام کنند تا هم فهرست اصلاحات واقعاً اصلاح‌طلبانه باشد و هم با مشی اصلاح‌طلبی در انتخابات شرکت کرده باشیم؛ اما مقبول نیفتاد. برای نمونه در همین تهران با هر معیاری نمی‌شود مجید انصاری را اصلاح‌طلب دانست. وقتی که احزاب اصلاح‌طلب از او خواسته‌اند بی‌نام‌اند، حتی اگر همین یک نفر هم باشد، باید از او حمایت شود. در جریان بوروکراتیک اصلاحات البته احزاب باید نقش‌آفرینی کنند. حتی احزابی که تأثیر زیادی در جامعه ندارند، اما بالاخره حزب اصلاح‌طلب هستند. بالاتر از این سیستم بوروکراتیک تفکر اصلاح‌طلبی است که نیاز واقعی و فعلی جامعه ایران است؛ بنابراین نمی‌تواند در انتخابات شرکت نکند. صد البته این به آن معنا نیست که مشکلات سخت‌تر راه اصلاحات نادیده گرفته شود. یا حتی ممکن است در شرایط فعلی امکان اصلاح وجود نداشته باشد؛ اما بنا به مشی اصلاح‌طلبانه پشت مرز اصلاح‌طلبی متوقف‌شدن بهتر از این است که از این تفکر دست بکشیم و آینده مبهمی را برای ایران پیشنهاد بدهیم. اینها مدام می‌است که اسم اصلاحات پشت سر احزاب و تفکر باشند. البته اگر کسانی از اصلاح‌طلبان از مشی اصلاحات خود را جدا بدانند، چه آنها که به سمت اصولگرایی گرایش پیدا کرده‌اند و چه آنها که از اصلاح‌طلبی عبور کرده‌اند و پیشنهادهای رادیکال‌تری می‌دهند، می‌توانند انتخابات را تحریم کنند یا کاندیدایی نداشته باشند. آنها صد البته در جامعه و به‌ویژه در جامعه روشنفکری هواداران جدی دارند؛ اما پیش‌فرض این است که آنها اصلاح‌طلب نیستند. من هم بر این باورم که چه اصلاح‌طلب و چه غیر این خیلی تأثیر شگرفی در مجلس نخواهند داشت.با وجود مشکلات، اصلاح‌طلبی نمی‌تواند در انتخابات شرکت نکند. احزاب اصلاح‌طلبی هم که فهرست داده‌اند، کاری خلاف بیانیه شورای عالی انجام نداده‌اند.

شرق: لیست حزب کارگزاران با حاشیه‌های زیادی همراه بود. از عنوان یاران هاشمی که گویا تمام آنانی که در لیست قرار گرفته‌اند، دلباختگان مرحوم هاشمی‌اند تا عکس بزرگ آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در میان نام‌های موجود در لیست که تعداد درخور توجهی از آنها اساساً شناخته‌شده نیستند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که حزب کارگزاران سعی می‌کند که اولاً با نشان‌دادن حمایت آیت‌الله هاشمی از سیاست لیست‌گرایی و ثانیاً حمایت او از لیست اخیر کارگزاران لیست اخیر را در نگاه مردم مثبت جلوه دهد. همه اینها در حالی است که اکبر هاشمی‌رفسنجانی بیش از سه سال است که درگذشته است. صادق زیباکلام باور دارد که نمی‌توان از یک شخص فوت‌شده برای اهداف سیاسی استفاده کرد. او دیدگاه‌هایی دراین‌باره دارد که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

کازلیست انتخاباتی حزب کارگزاران که با عنوان «یاران هاشمی» منتشر شده است، می‌توان دریافت که اعضای کارگزاران می‌کوشند لیست خود را منتسب به مرحوم هاشمی کنند؛ در صورتی که بسیاری از نفرات لیست چندان شناخته‌شده نیستند که بتوان رویکرد آنها را مبتنی بر افکار آقای هاشمی دانست. درباره این موضوع شما چه نظری دارید؟

من اصلاً نمی‌خواهم به قصاوت چیدمان لیست انتخاباتی حزب کارگزاران و قصاوت کیفی آن بپردازم؛ بلکه می‌خواهم از فلسفه اخلاق سخن بگویم. واقعیت این است که ما نمی‌توانیم از شهرت و اعتبار شخصی که فوت کرده است، برای پیشبرد اهداف سیاسی‌مان استفاده کنیم. اکنون حزب کارگزاران لیستی را منتسب به مرحوم هاشمی‌رفسنجانی کرده است که معلوم نیست اگر ایشان زنده بود، آن را تأیید می‌کرد یا نه. عکس این قضیه هم صادق است و برای مثال اگر گروهی می‌گفت که ما با الهام‌گرفتن از تفکرات آقای هاشمی به این نتیجه رسیده‌ایم که در انتخابات شرکت نکنیم، باز هم می‌پرسیدم که با چه مجوز اخلاقی از جانب او سخن می‌گویید؟ در حقیقت اصلاً مسئله کنونی، انتخاباتی و سیاسی نیست و کاملاً به اخلاق مربوط است. اکنون من این پرسش را از رهبران حزب کارگزاران می‌پرسم که اگر آقای هاشمی زنده بود، رضایت به ارائه لیست اخیر کارگزاران می‌داد؟ یک احتمال وجود دارد که نظر اعضای کارگزاران را تأیید می‌کرد و حتی مؤکداً به مردم می‌گفت که هم در انتخابات شرکت کنید و هم به لیست حزب کارگزاران رأی بدهید. در مقابل، این احتمال هم وجود دارد که تصمیم اخیر کارگزاران را تأیید نمی‌کرد. اکنون حزب کارگزاران بدون پاسخ به این پرسش‌ها لیست خود را به فردی نسبت می‌دهند که در قید حیات نیست. یک مرحله جلوتر می‌آیم و می‌گویم که حتی نزدیک‌ترین افراد به آقای هاشمی هم نمی‌توانند از جانب او درباره یک امر جدید سخن بگویند. تردیدی وجود ندارد که افرادی مثل آقایان کرباسچی و مرعشی به آقای هاشمی بسیار نزدیک بودند یا پرواضح است که خانواده آقای هاشمی نزدیک‌ترین افراد به ایشان بودند؛ اما آنها هم نمی‌توانند تصمیم خود را به

سیاست

بررسی حواشی لیست انتخاباتی حزب کارگزاران در گفت‌وگو با صادق زیباکلام

اصلاح‌طلبان راه اصولگرایان را نروند



سید سعید زیباکلام

آقای هاشمی نسبت دهند؛ مگر آنکه گفته شود آقای هاشمی وصیت‌نامه‌ای دارد که در آن گفته است آقایان کرباسچی، مرعشی و خانواده می‌توانند پس از مرگم از جانب من سخن بگویند و تصمیم بگیرند. من که چنین وصیت‌نامه‌ای ندیده‌ام و اگر دوستان چنین وصیتی از آقای هاشمی دارند، منتشر کنند تا ما هم آگاه شویم که چه کسی زبان آقای هاشمی است. اصلاح‌طلبان همواره به اصولگرایان ایراد می‌گیرند که امام را به نفع خود مصادره کرده‌اند. این انتقاد درستی است؛ اما چرا خودشان هم همان کاری را انجام می‌دهند که اصولگرایان می‌کنند؟ اکنون حزب کارگزاران شخصیت آقای هاشمی را مصادره به مطلوب کرده است و این رویکرد بسیار نادرست است.

آیا حزب کارگزاران در دوره حیات آقای هاشمی حزب متبوع ایشان بود و می‌توان گفت که نظرات و مواضع آن مرحوم عیناً همانی بود که از سوی حزب کارگزاران سازندگی عنوان می‌شد؟

خیر، اصلاً این‌طور نبوده است؛ گرچه بسیاری از اعضای اولیه حزب کارگزاران مانند آقایان کرباسچی، نجفی، محمد هاشمی، مهاجرانی و... ارتباط نزدیکی با آقای هاشمی داشتند؛ اما آیا می‌توانیم بگوییم نظرات تمام آن اعضا همان نظرات آقای هاشمی بوده است؟ آیا مواضع آقای مهاجرانی بعد از انتخابات سال ۸۸ همانی بود که آقای هاشمی می‌گفت؟ بنابراین اصلاً این گزاره درست نیست که تمام مواضع کارگزاران عیناً مورد تأیید مرحوم هاشمی بوده است. وقتی به صورت جزئی وارد دیدگاه‌های اعضای کارگزاران می‌شویم، درمی‌یابیم که شکاف خیلی بیشتر هم می‌شود. کافی است به مواضع برخی از اعضای فعلی کارگزاران در دهه ۷۰ نگاه کنیم و متوجه بشویم که اتفاق تعدادی از اعضای کنونی کارگزاران مواضع ضدهاشمی داشتند و شب‌روز در صدد تخریب آقای هاشمی بودند. شاید ایشان بگویند که اکنون مواضعمان تعدیل شده است، اما نمی‌توانند بگویند که جزئی مانند کارگزاران با تمام این فرازوفرودها زبان گویای اکبر هاشمی‌رفسنجانی است. حتی خانواده آقای هاشمی هم نمی‌توانند بگویند تمام اقدامات ما مورد تأیید آقای هاشمی بوده است. حتی

با وزرای دولت مرحوم هاشمی ساعت‌ها مشورت کردم. بسیاری از آنها می‌گفتند که آقای هاشمی ساعت‌ها در هیئت دولت می‌نشست به بحث‌ها گوش می‌داد و اصلاً این‌طور نبود که بگویند نظر من این است و باید اجرا شود. آقای حسین کمالی و آقای مصطفی معین به من می‌گفتند که روزی در جلسه هیئت دولت درباره موضوعی بحث می‌رسد و تا پاسی از شب بحث‌ها ادامه داشت تا آنکه صبر آقای هاشمی لبریز شد و گفت که اگر کسی این تصمیم را قبول ندارد و نمی‌خواهند با دولت همکاری کند، اصراری برای ادامه حضورش در دولت نیست. بعد از این حرف رای‌گیری شد و ما (کمالی و معین) رای مخالف دادیم. این در حالی بود که آنها می‌دانستند بعد از این مخالفت احتمالاً باید استعفا بدهند اما با این حال مخالفت خود را ابراز کردند. آقای کمالی روایت می‌کند که فردا صبح و بعد از نماز به محل اقامت آقای هاشمی رفتم تا استعفایم را تقدیم کنم. آقای هاشمی که من را دید سراسیمه آمد و تصور کرد که اتفاقی افتاده است. گفت چه شده و من(کمالی) گفتم که پیرو صحبت دیشب شما آمده‌ام استعفا بدهم که آقای هاشمی گفت شما در وزارتخانه‌تان کار ندارید که این وقت صبح می‌آیید؟ این را گفت و رفت. آقای معین هم همین روایت را تأیید می‌کند، هرچند او برای استعفا نزد آقای هاشمی نرفت. با شنیدن این خاطره به این فکر کردم که آقای هاشمی چقدر به خرد جمعی باور داشت. با آنکه وقتی آقای هاشمی برای بازدید از پروژه‌های می‌رفت آنقدر از مسئول پروژه سؤال می‌کرد که طرف کلافه می‌شد زیرا بازدیدهای او تشریفاتی نبود و واقعاً می‌خواست بداند کار در چه مرحله‌ای است. با ذکر این ویژگی‌ها من قرابت چندانی میان آقای روحانی و مرحوم هاشمی نمی‌بینم.

کاز چند وقت اخیر اصلاح‌طلبان بر سر ادامه سیاست انتخاباتی ائتلاف مناقشاتی داشتند؛ به‌نحوی‌که برخی از ایشان می‌گفتند بعد از این باید با تکیه بر هویت اصلاح‌طلبانه وارد انتخابات شد و برخی ازجمله شخصیت‌هایی در حزب کارگزاران بر ادامه راهبردی ائتلاف تأکید می‌کردند.به عنوان بحث پایانی قدری دراین‌باره توضیح دهید.

من کارگزاران را بیش از آنکه اصلاح‌طلب بدانم نزدیک به تکنوکرات‌های اصولگرا می‌دانم؛ به‌عبارت دیگر دغدغه اصلی آنها اصلاح‌طلبی نیست. به نظر من اصلی‌ترین اولویت اصلاح‌طلبی، دموکراسی و اصلاح روند موجود با توجه به شعارهای اصیل انقلاب است. اصولگرایان چندان خود را پاینده به آزادی‌خواهی و دموکراسی نمی‌دانند و برایشان اصلاح اقتصادی مهم است. اصولگرایان می‌خواهند همیشه بچه خود سیستم باشند و بگویند آنهایی که انتخابات را تحریم می‌کنند ما نیستیم بلکه اصلاح‌طلبان هستند. برای آنها انتخابات به‌ماهو انتخابات مهم نیست، بلکه انتخابات را به عنوان ابزاری برای سرمایه‌گذاری سیاسی می‌دانند. کارگزاران هم تا حدی این‌طور فکر می‌کند و همین‌قدر که شرایط موجود از نظر اقتصادی بهبود یابد برای آنها کافی است.

نگاهی به ساخت سیاسی دهمین دوره مجلس سرانجام سیاست‌ورزی لاریجانی

مجلس هم در چهار سال مجلس دهم با الهیار ملک‌شاهی، نماینده اصولگرا بود. در کمیسیون امور داخلی و شوراها هم محمدجواد گیلویند، نماینده اصولگرا، برای سال چهارم رئیس ماند. اعضای فراکسیون امید در این فراکسیون ۱۰ نفر بودند. کمیسیون اجتماعی دیگر جایی بود که نمایندگان اقلیت مستقل بین دو فراکسیون امید و ولایتی در نوسان بودند. ریاست این کمیسیون سه سال با سلمان خدادادی، نماینده ولایتی مجلس دهم بود و در سال آخر هم به دیگر نماینده اصولگرا، یعنی عبدالرضا عزیزی رسید. زهر زهر ساعی، نماینده تبریز و سمیه محمودی، نماینده شهرضا و عزیزی، نمایندگان فراکسیون مستقلین این کمیسیون بین ۱۰ نماینده امیدی و ۱۰ نماینده ولایتی تعیین‌کننده بود. نمایندگان اصولگرا ریاست کمیسیون انرژی را هم در چهار سال مجلس دهم برعهده داشتند و اصلاح‌طلبان در این کمیسیون هم در اقلیت بودند.

«امید» بازنده نبود
مجلس دهم با زنده همه کمیسیون‌ها نبود. آخرین تغییر مجلس دهم در کمیسیون اقتصادی به سود امیدی‌ها بود، آن هم در کمیسیونی که آنها در اکثریت نبودند، الیاس حضرتی توانست بر صندلی ریاست آن بنشیند. پیش از او محمدرضا پورابراهیمی برای سه سال ریاست این کمیسیون را برعهده داشت. علی نوخست، نماینده امیدی هم سه سال رئیس کمیسیون بهداشت و درمان بود و نمایندگان اصولگرا فقط یک سال ریاست آن را برعهده داشتند. غلامرضا تاجگردون، نماینده اصلاح‌طلب در کمیسیون برنامه‌بودجه، چهار سال ریاست و غلامرضا کمیسیون کشاورزی مجلس نیز برای سه سال در اختیار امیدی‌ها باقی ماند. کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نیز در مجلس دهم بعد از ۱۴ سال تغییراتی در هیئت‌رئیس خود داشت. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه به ریاست ۱۴ ساله علاءالدین بروجری بر این کمیسیون خاتمه داد. اما فلاحت‌پیشه هم فقط یک سال دوام آورد و سال آخر عمره را به مجتبی ذوالنوری، نماینده نزدیک به جریان پایدار و متفقد دیگر مستقل بودند. غیر از سال سوم، محمدمهدی بعد در مصاحبه‌ای به صراحت گفت که وظیفه‌اش به‌زیرکشدن رئیس‌جمهوری است. البته غیبت یک عضو و درگذشت یکی دیگر از اعضای امیدی کمیسیون در رای‌گیری پایانی بی‌تأثیر نبود. سیاست‌ورزی علی لاریجانی در قوه مقننه بعد از ۱۲ سال به پایان می‌رسد. برخی از فعالان سیاسی معتقدند که این اتفاق منجر به گسستی در نهاد قانون‌گذاری خواهد شد؛ گسستی که پیامدهایی نیز خواهد داشت. باید دید که نیروها در مجلس یازدهم چطور سازمان پیدا می‌کنند و ساخت سیاسی این مجلس چگونه خواهد بود.

روزنه

رئیس قوه قضائیه:

باید گام‌های بلندی در جهت اجرای عدالت برداریم

● **ایسنا**: رئیس قوه قضائیه گفت: باید گام‌های بلندی در جهت اجرای عدالت در دسترس مردم در همه ابعاد برداریم. سیدابراهیم رئیسی در جلسه مسئولان عالی قضائی که در استان کرمان برگزار شد، اظهار کرد: تردید ندارم توجه قلب‌ها به شهید سلیمانی عنایت حضرت ولی‌عصر(عج) بود و یقیناً کسی جز دست خدا و ولی او نمی‌تواند قلب‌ها را متوجه یک فرد کند و این نتیجه اخلاص، مجاهدت و رشادت آن شهید بود که قطعا آثار و برکات فراوانی دارد. او بر همین اساس بر لزوم آغاز عملیات اجرایی راه‌اندازی مجتمع قضائی شهید سلیمانی در کرمان تا پایان سال جاری تأکید کرد. رئیسی در ادامه بر سیاست حبس‌زدایی و ساماندهی احکام و قرارها برای کاهش جمعیت زندانیان کشور و لزوم پیگیری جدی این سیاست از سوی قضات تأکید کرد. وی در ادامه، با اشاره به کاهش ناامنی و ناهنجاری در استان کرمان گفت: باید انصافاً از اقدامات انجام‌شده در این زمینه تقدیر کرد، ضمن آنکه باید یادآور شد آمار اندک جرم در استان شهیدپرور کرمان نیز زیاد است. رئیس قوه قضائیه بر همین اساس به مسئولان قضائی و شورای تأمین تذکر داد که تدابیر لازم را برای افزایش ضریب امنیت در استان کرمان اتخاذ کنند. او در ادامه خواستار ایجاد راهبردی برای ساماندهی اتباع خارجی بلندی در جهت اجرای عدالت در دسترس مردم در همه ابعاد برداریم، بر لزوم پیگیری مسائل سفر استانی مسئولان عالی قضائی به کرمان و حل مشکلات این استان تأکید و خاطرنشان کرد: دستاوردهای سفرهای استانی با اجرای مصوبات برای ارتقای دستگاه قضائی ملموس خواهد بود.

یهودی‌ها و مسیحی‌ها به سلیمانی عشق می‌ورزند

رئیس قوه قضائیه در مراسم اربعین شهید سلیمانی در کرمان نیز گفت: کرمان سرداری را تحویل داد که مایه افتخار جهان اسلام شد و یهودی‌ها و مسیحی‌ها به سلیمانی عشق می‌ورزند. سیدابراهیم رئیسی ضمن تسلیت شهادت حاج قاسم سلیمانی، «افتخار مجاهدان و جهان اسلام»، به مردم دیار کریمان و جهان اسلام تصریح کرد: آسمانی‌شدن شهید سلیمانی را باید به مردم ایران و جهان اسلام مبارک‌باد گفت. وی با اشاره به چهلمین روز شهادت سردار سرافراز جهان اسلام تصریح کرد: شهادت سلیمانی، قیامتی را دنیا برپا کرد و دل‌ها را در سراسر ایران و جهان اسلام متوجه او کرد و او را متوجه به وجه‌الله کرد. رئیس قوه قضائیه با اشاره به اینکه «حاج قاسم سلیمانی، شهید زندگی کرد تا به شهادت رسید و کریم زندگی کرد تا به شهادت رسید»، تصریح کرد: کرامت، انسان را دارای روحیه و ظرفیتی می‌کند که فقط به خدا می‌انیدشد و فقط برای او زندگی می‌کند و محور زندگی او خدا می‌شود و تمام جوارحنش به خدا می‌انیدشد و آنچه را که دارد از جنبه مال و تمامی امکانات و ظرفیت‌هایی که خداوند به او داده، نثار خداوند می‌کند و رسیدن به این مقام را فقط خداوند می‌بیند. وی اخلاص حاج قاسم را یکی از شاخصه‌های سلیمانی، رمز بقا و متوجه‌شدن دل‌ها به او بود و ایشان هیچ چیزی را جز خدا نمی‌دیدید. رئیسی ولایت‌مداری حاج قاسم سلیمانی را دومین نکته در مکتب حاج قاسم سلیمانی ذکر کرد و افزود: حتی اگر وصیت‌نامه این شهید بزرگوار نیز نبود، باز هم همه می‌فهمیدند که شهید سلیمانی ولایت‌مدار بود؛ زیرا ولایت‌مدار با ولایت‌شعار فرق دارد. رئیس قوه قضائیه به وصیت‌نامه شهید سلیمانی اشاره و عنوان کرد: سخن شهید سلیمانی در وصیت‌نامه خود تا انتها ولایت‌مداری است و ولایت‌مداری در زمان امام نسبت به امام راحل و رهبر معظم ولایت‌مدار بود. وی باورداشتن به مردم را از دیگر نکات مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی برشمرد و تصریح کرد: شهید سلیمانی مردم را باور داشت و نگاه و نظر مردم را تشریفاتی نمی‌دانست و حقیقتاً مردم‌باور بود و واقعاً به مردم عشق می‌ورزید و این عشق مختص کرمانی، ایرانی، سوری، عراقی و افغانی نبود. وی بر لزوم توجه ویژه به فرمایشات مقام معظم رهبری برای خروج از مشکلات در کشور اشاره کرد و افزود: بسیاری از مسائل و مشکلات کشور، راهکارش در درون و در دستان توانای جوانان این مرزوبوم است و معتقدیم تمام این مشکلات، به برکت خون حاج قاسم گشوده خواهد شد. رئیسی ادامه داد: نسخه‌ای که برای اصلاح همه امورات کشور است، آن است که مقام معظم رهبری فرمودند. ما هیچ مشکلی نداریم و راهکار رفع مشکل در درون این کشور وجود دارد و آتانی که رفع مشکل را در دست و چشم دشمن می‌بینند، سخت در خطا هستند.

ادامه در صفحه ۳